



«آتیه‌نو» تأثیر خشکسالی و مدیریت آب بر زندگی مردم روستاها را بررسی می‌کند

مهاجرت معکوس پس از کوچ اجباری

گزارش

آمارها نشان می‌دهد روستاهای ایران در حال تخلیه هستند. دلایل مختلفی برای این پدیده ذکر می‌شود، اما برخی افراد خشکسالی و کمبود منابع آب را دلیل اصلی این مهاجرت‌ها اعلام می‌کنند. بر اساس آنچه در منابع رسمی آمده، در ۶۰ سال گذشته رشد جمعیت شهری ایران از میانگین رشد جمعیت کشور بیشتر بوده و این اعداد به مفهوم خالی از سکنه شدن روستاهای ایران به عنوان قطب‌های تأمین غذا است. نبود جمعیت در روستاها موجب توقف تولید و به خطر افتادن امنیت غذایی در کشور را به همراه خواهد داشت، اما آیا تمام مهاجرت‌های روستایی را می‌توان به کمبود آب نسبت داد؟ متأسفانه آمار دقیقی درباره اینکه واقعاً چه میزان از مهاجرت روستایی ناشی از خشکسالی است، وجود ندارد. البته احمد حق‌پژوه، مشاور نظام صنفی کشاورزی کشور سوءمدیریت در مسأله آب را عاملی می‌داند که منجر به تخلیه روستاها شده است. او بر این باور است که اگر آب در دست مدیریت می‌شد و روستاها مدیریت واحدی داشت، چنین شرایطی برای کشور رقم نمی‌خورد. این ایده‌ها و سخنان حمیدرضا جانباز، مشاور معاون آب و خاک وزارت جهاد کشاورزی تکمیل می‌کند. او همچنین از مهاجرت معکوس در مناطقی خبر می‌دهد که پروژه‌های آب و خاک در آن اجرا شده است. به اعتقاد جانباز، مهاجرت از روستاها را به طور کامل نمی‌توان به مسأله آب گره زد، اما روستاییانی که به شهرها مهاجرت کرده‌اند، همواره مترصد فرصتی هستند که به زادگاه خود برگردند و اگر آب مناسب برای شغل آنها که کشاورزی است، فراهم شود، قطعاً به زادگاه خود بازمی‌گردند.

او ادامه می‌دهد: «وقتی کشاورز در شهر تبدیل به کارگر روزمزد می‌شود و از زندگی و اجتماع‌اش کنده می‌شود، خودبه‌خود دنبال یک موقعیتی است که به همان جامعه خود بازگردد و اگر کورسوی امیدی ببیند، قطعاً برمی‌گردد.» مشاور معاون آب و خاک وزارت جهاد کشاورزی عنوان می‌کند: «در استان ایلام در طرح ۴۵۰ هزار هکتاری که به آن طرح احیای خوزستان و ایلام می‌گویند هم همین اتفاق را دیدم. در ۳۰ سال اخیر در کشور چند مصیبت داشتیم که یکی از آنها خشکسالی‌های پی‌درپی بود. در این منطقه جنگ هم شده بود. منابع آب کفاف زندگی مردم منطقه را نمی‌داد؛ به همین دلیل در شهر مستقر شده بودند. وقتی این طرح انجام شد، عملاً مهاجرت معکوس را دیدم. سال اول کسانی که برگشتند، زمین‌های خود را اجاره داده بودند اما بعد دیدند ظاهراً می‌شود روی این زمین‌ها حساب کرد. پیش از اجرای طرح زمین‌ها آب نداشت و هزینه‌های کار بالا بود، با اجرای طرح دیدیم آرام آرام روستاها در حال آباد شدن و در حال پر شدن است.»

به گفته جانباز، در طرح ۴۶ هزار هکتاری هم وضعیت به همین صورت بوده است. از آنجا که قبل از اجرای این طرح، طرحی به اسم نیم‌لوله‌ها توسط وزارت نیرو اجرا می‌شود و به بهره‌برداری نمی‌رسد و مردم از تأمین آب به وسیله چاه نیمه‌ها ناامید شده بودند، در ابتدای اجرای طرح ۴۶ هزار هکتاری کشاورزان هیچ واکنشی برای تعیین منافع خود نداشته‌اند اما وقتی آب به شکل آزمایشی به یکی از حوضچه‌های طرح ۴۶ هزار هکتاری می‌رسد، مردم به نمایندگان مجلس و وزارت جهاد کشاورزی فشار می‌آورند که طرح نیمه‌کاره را هرچه سریع‌تر افتتاح کنند. او اضافه می‌کند: «در طرح گرمسیری در دشت مغان هم مهاجرت معکوس را دیدم. مردم این منطقه عمدتاً دامپرور بودند. خانواده‌های‌شان یاد رارس آباد مستقر بودند یا در شهرهای دیگر مستقر بودند. افراد در فصل ییلاق و قشلاق همراه گوسفندان خود به این منطقه می‌آمدند و در منطقه ساکن نبودند؛ اما وقتی این طرح اجرا شد، در منطقه ساکن شدند. به تدریج می‌بینیم در این مناطق خانه جدید ساخته می‌شود.» مشاور معاون آب و خاک وزارت جهاد کشاورزی می‌گوید: «طرح‌هایی از این دست منجر به مهاجرت معکوس می‌شود. البته دیدگاه شخصی من این است که این روند خیلی هم مطلوب نیست که دوباره مردم بازگردند. یک طرحی از قدیم دنبال‌اش بودند که کشاورزان در یک شهرکی مستقر باشند که همه خدمات بهداشتی امنیتی و غیره را در اختیار داشته باشند و سر‌مزارع‌شان برونند، اما وقتی پراکنده می‌شوند، خدمات دادن به این افراد نیز سخت می‌شود.»

که وابسته به آب سطحی بودند، با زدن سدها مصارف جدیدی برای آب تعریف شده و آب دیگر به روستاهای پایین‌دست نمی‌رسد.» جانباز می‌گوید: «مثلاً سد کرج تا منطقه رباط کریم را سیراب می‌کرده است. خودبه‌خود وقتی مصارف جدید برای این آب پیدا و این منبع صرف آب شرب تهران شد از شهریار تا رباط کریم دیگر جمعیت کشاورز وجود ندارد. البته برخی که نفوذ داشتند مجوز چاه گرفتند. چاه احداث کرده و به فعالیت خود ادامه دادند.» او ادامه داد: «از مرادآباد تا اشتهارد بسیاری روستاها را می‌بینید که خالی از سکنه است اما اطراف رباط کریم صنعت هم رشد کرد و جمعیت بیشتر نیز شد؛ زیرا کشاورزان جذب صنعت شدند. بنابراین نمی‌توان مهاجرت را به آب وصل کرد.» مشاور معاون آب و خاک وزارت جهاد کشاورزی عنوان می‌کند: «ما بدون اینکه برای کشاورزانی که زیر دست سدها هستند، فکری کنیم و به این بیندیشیم که سد چه عواقبی برای آنها داشته است، این سازه‌ها را ایجاد و معیشت کشاورزان را دچار اختلال کردیم. آن روستاهایی که نزدیک صنعت بودند، جذب صنعت شدند و خانه و زندگی را حفظ کردند اما بقیه مهاجرت کردند.»

مهاجرت معکوس با اجرای طرح‌های آبی

مشاور معاون آب و خاک وزارت جهاد کشاورزی از انجام مهاجرت معکوس به دنبال اجرای طرح‌های آبی خبر می‌دهد. او درباره تعداد افرادی که به سرزمین خود بازگشته‌اند، بیان می‌کند: «برای درک میزان مهاجرت معکوس، ما باید مطالعات اجتماعی انجام می‌دادیم تا بعد از بهره‌برداری ببینیم اجرای یک طرح چقدر منجر به مهاجرت معکوس شده است، اما من چیزی که خودم دیده‌ام را می‌گویم و درباره میزان مهاجرت معکوس عدد و رقمی ندارم.» او اضافه می‌کند: «حدود ۲۰ سال قبل در ماهنشان زنجان یک طرح کوچک تأمین آبی داشتیم. تمام جاهایی که آب اندکی در اختیار مردم بود را به طریقی جمع کردیم تا بتوانند برای کشاورزی استفاده کنند. با اداره کل آبیاری تحت فشار وقت هم هماهنگ کردیم که برای استفاده درست‌تر آب تأمین شده، آبیاری قطره‌ای در منطقه اجرا کند. در برخی مناطق که این برنامه اجرا شد، منجر به مهاجرت معکوس شد.» جانباز می‌گوید: «با اجرای این طرح یکی از افراد مسن روستا می‌گفت که فقط هفت پیرزن و پیرمرد در روستا مانده بوده‌اند و بـا ۶۰ لیتر بر ثانیه‌ای که تأمین کردیم، ۱۰ تا ۲۰ خانواری که به زنجان و جاهای دیگر مهاجرت کرده بودند، به این منطقه بازگشتند.»

روستاها مطرح شده، اما مشاور نظام صنفی کشاورزی کشور، وجود متولیان عدیده برای روستاها را یکی از دلایل اصلی تخلیه روستاها معرفی می‌کند. او به این پرسش که کمبود آب به چه میزان باعث مهاجرت شده است، اینگونه پاسخ می‌دهد: «یکی از دلایل کمبود آب در روستاها سوءمدیریت منابع آبی است. همه دنیا با مشکل کم‌آبی در ۳۰ تا ۴۰ سال گذشته مواجه بودند، اما چرا آنها به نقطه خطر نرسیدند؟ دلیل آن این است که شرایط را مدیریت کردند.» حق‌پژوه تأکید می‌کند: «تعدد مراجع مدیریتی برای روستایی از عوامل سوءمدیریت است. منابع آب ما مدیریت واحد ندارد و در این حوزه تعدد مدیریت داریم و برای همین هیچ دستگاهی پاسخگو نیست. اگر درست مدیریت می‌کردیم، بحث مهاجرت پیش نمی‌آمد. اگر بتوانیم اقتصاد روستا را سرزنده و روی پا نگه داریم، مهاجرت متوقف می‌شود.» او ادامه می‌دهد: «هر چقدر به عمران روستا بپردازیم، فایده‌ای ندارد. این مسأله حداکثر روستا را تبدیل به سکونتگاه‌هایی می‌کند که اهالی آنها هیچ سختی با محیط روستا ندارند. ما به روستاها آب لوله‌کشی رساندیم، خیابان‌ها را آسفالت و معابر را مدل شهری درست کردیم. چنین جایی روستا نیست بلکه کاندیدایی برای شهر شدن است. وقتی آمار شهر شدن روستاها را ببیند، این مسأله مشخص است.» مشاور نظام صنفی کشاورزی کشور تأکید می‌کند: «اقتصاد روستا بر اثر سوءمدیریت فلج شده است.» او درباره شدت مهاجرت در استان‌های مختلف می‌گوید: «میزان مهاجرت بسته به درجه محرومیت استان‌ها متفاوت و در استان‌های محروم‌تر شدیدتر است. عموماً محرومیت از مراکز به روستاها تسری می‌یابد.» حق‌پژوه بیان می‌کند: «یکی از معیارها برای اینکه بدانیم مجموعه‌ای مانند تعاون روستایی به وظایفش درست عمل می‌کند، بررسی ضریب مهاجرت از روستا به شهر است. هر جا این ضریب از میانگین کشوری بالاتر بود یعنی درست مدیریت انجام نشده است؛ زیرا اگر مدیریت درست بود، افراد روستا را رها نمی‌کردند. این مسائل مانند حلقه‌های یک زنجیر به هم مربوط هستند.»

مهاجرت معکوس با اجرای پروژه‌های آبی

حمیدرضا جانباز، مشاور معاون آب و خاک وزارت جهاد کشاورزی نیز در گفت‌وگو با «آتیه‌نو» درباره مهاجرت از روستاها تحت تأثیر خشکسالی بیان می‌کند: «مهاجرت از روستاها دلایل مختلفی دارد؛ مثلاً در خمین روستایی بود که مردم آنجا به شهر کوچ کرده بودند، در صورتی که آن روستا همه نوع امکانات داشت.» او اضافه می‌کند: «در روستاهایی

خبرهای متعددی درباره مهاجرت‌های اقلیمی در ایران به گوش می‌رسد. در فضای رسانه‌ای همواره این ادعا مطرح شده که به زودی مهاجرت‌های گسترده برای جمعیت ۵۰ میلیونی فلات مرکزی ایران به دلیل کم‌آبی رقم خواهد خورد. گسترده‌ترین مهاجرت ناشی از کم‌آبی که همه کارشناسان بر آن اتفاق نظر دارند، تخلیه استان سیستان و بلوچستان و انتقال ساکنان این استان به سه استان خراسان جنوبی، رضوی و گلستان در دو دهه پایانی عصر پهلوی است. خبرهایی درباره مهاجرت باغ‌های پسته (به عنوان یک محصول صادراتی) از کرمان به استان‌هایی که منابع آبی بهتری دارند، در رسانه‌ها منتشر می‌شود. کشاورزان یزدی معترض‌اند که سرمایه‌گذاران کرمانی پس از آنکه در استان خود با کمبود منابع آب روبه‌رو شده‌اند، بهترین و پرآب‌ترین زمین‌های یزد را خریداری کرده و تبدیل به باغ پسته کرده‌اند و از آنجا که باغ پسته با افزایش سن درخت، آب بیشتری نیاز دارد، منابع آبی یزد که زیرزمینی است، دچار بحران شده است. از این دست مثال‌ها زیاد است و نشان می‌دهد کمبود آب عاملی برای مهاجرت بوده است. اما آمارها چه می‌گویند؟

آمارهای رسمی نشان می‌دهد در ۶۰ سال اخیر رشد جمعیت شهری کشور به مراتب بالاتر از رشد جمعیت کل کشور بوده است. به گونه‌ای که در فاصله نخستین سرشماری تا آخرین سرشماری جمعیت شهری کشور، جمعیت شهری حدود ۱۰ برابر شده است، در حالی که جمعیت کل کشور بیش از چهار برابر شد. این ارقام حکایت از رشد شتابان جمعیت شهری ایران در شصت سال اخیر دارد. البته متوسط رشد سالانه جمعیت شهری کشور در فواصل سال‌های سرشماری یکسان نبوده است. حداکثر میزان رشد سالانه در این مدت، مربوط به سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵، با مقدار ۵٫۴ درصد و حداقل آن مربوط به سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ با مقدار ۱٫۹۷ درصد بوده است.

تأمین اقتصاد روستا عامل جلوگیری از مهاجرت

آیا واقعاً تمام مهاجرت‌های انجام شده از مناطق روستایی را می‌توان به کمبود منابع آب ارتباط داد؟ متأسفانه اطلاعات دقیقی درباره مهاجرت تحت تأثیر کم‌آبی وجود ندارد و یا حداقل در دسترس همگان نیست. احمد حق‌پژوه، مشاور نظام صنفی کشاورزی کشور در گفت‌وگو با «آتیه‌نو» بیان می‌کند: «وضعیت مهاجرت را باید از روی آمار تخلیه روستاها به دست آورد. در آمارنامه مرکز آمار ایران و وزارت جهاد کشاورزی اعداد مربوط به میزان تخلیه روستاها وجود دارد، اما آمارها به خودی خود گویا نیست.» در مطالعات مختلف دلایل متعددی برای مهاجرت از



لیلا مرگن

روزنامه‌نگار

وی افزود: «موانعی که بر سر راه توسعه و بهره‌برداری از معادن بود با اصلاح قانون رفع شد. همچنین در این طرح، روند واگذاری، اکتشاف و بهره‌برداری از معادن با استفاده از ظرفیت کاداستر فراهم شده است.»

این عضو کمیسیون صنایع و معادن ادامه داد: «در طرح مذکور، مهلت برای استخدام‌ها کاهش یافت. به این معنا که در طرح مذکور مهلتی که هر دستگاه برای پاسخگویی نسبت به استعلام وزارت صنعت، معدن و تجارت برای بهره‌برداری از هر معدن داشت، کاهش یافته است.» الهویردی دهقانی اضافه کرد: «بر اساس طرح اصلاح موادی از قانون معادن، حساب‌های مالی در مراکز به شهرستان‌هایی که معادن در آن‌ها واقع شده، منتقل می‌شود.»

این نماینده مردم در مجلس یازدهم ادامه داد: «طبق این طرح ۱۵ درصد حقوق دولتی معادن در شهرستان‌ها، هزینه می‌شود، در واقع پیش از این، درآمد مذکور به خزانه واریز می‌شد اما با وجود اینکه بر اساس قانون باید به همان شهرستان برای هزینه‌بازی گشت اما این مهم محقق نمی‌شد، حال آنکه با اصلاح قانون معادن نیازی به واریز این مبلغ به خزانه نیست و معادن باید در شهرستان‌ها هزینه کنند. با طرح اصلاح موادی از قانون معادن فرصتی ایجاد می‌شود که از معادن به درستی استفاده کرده و شهرستان‌هایی که معادن در آنها مستقر هستند نیز بتوانند از این ظرفیت بهره‌مند شوند.»

وضعیت مهاجرت را باید از روی آمار تخلیه روستاها به دست آورد. در آمارنامه مرکز آمار ایران و وزارت جهاد کشاورزی اعداد مربوط به میزان تخلیه روستاها وجود دارد، اما آمارها به خودی خود گویا نیست